

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

پیکار پامیر

۲۹.۱۱.۰۹

" نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان "

جلد اول

به ادامه گذشته:

تجزیه هند و تشکیل پاکستان :

در بخش تاکتیک و پلان استعماری انگلیسها در هند و منطقه گفتیم که آنها به منظور استیلای کامل بر کشور مورد نظر و حفظ نقش دلخواه سیاسی خویش در آینده ها، نخست، کین و تفرقه قومی، زبانی و مذهبی را به صورت ماهرانه ای میان بخشهای مختلف جامعه ایجاد نموده در نتیجه جنگ و خونریزی هایی که بالاآثر آن به وقوع می پیوست، سرزمین مورد خواست شان را اولاً قطعه قطعه کرده و بعداً متصرف می شدند و آنگاه تا میتوانستند گلوی مردم را می فشردند و از آنان شدیداً بهره می جُستند.

شرح کامل آنچه استعمار انگلیس ظرف بیشتر از دوصد سال در شبه قاره هند انجام داد، ایجاب تدوین کتاب قطوری را مینماید و اما، تا جاییکه مشخصاً به موضوع مورد بحث ما تعلق می گیرد، می باید گفت که چون انگلیسها این حقیقت را درک کردند که علی رغم تحولات عظیم علمی، اجتماعی و سیاسی در جهان، به ویژه، اثرات و پیامد های جهانشمول جنگ عمومی دوم، پیروزی مردم افغانستان در راه حصول آزادی و استقلال و شور و احساسات رهایی جویانه مردم سر تاسر هند، نمیتوانند بیشتر از آن بر گرده ملت چهارصد ملیونی هند (بروفق احصاییه همان سالها) سوار باشند. بنابراین، قبل از آنکه تن به اعطای آزادی برای آنها بدهند، در صدد تجزیه هند و ایجاد مناطق نزاع بر انگیز میان این کشور و اطرافینش برآمدند. ولی باید گفت که انگلیسها قبل از آن، تخم همچو نزاع ها و تضعیف سازیها را در هند و نیپال و سریلانکا و مرز هند و چین و افغانستان افشاندند بودند (۱) از آن جمله، مثلاً، در خود هند، سالها قبل آتش تعصبات دینی و مذهبی میان هندو و مسلمان را چنان مشتعل گردانیده بودند که تا این زمان، هزاران هندی مظلوم به اثر خشونت های ناشی از آن به طور فجیعی جان باخته بودند و صد ها مسجد و " مندر " به آتش کشیده شده بود. همچنان، با پرورش هزاران جاسوس و ده ها نفر " رهبر " چاکرمنش انگلیسی

مآب چه در داخل "لیگ" ها و انجمن ها و چه در چهار چوب دواير و مدارس هند، پایه و مایه چنین نزاع ها و تجزیه ها را به وجود آورده بودند.

شاد روان "غبار" در کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ" چنین مینگارد:

"... بعد از جنگ عمومی، هندوستان در سال ۱۹۴۷ م آزادی خود را به دست آورد. گرچه به دو پارچه هند و پاکستان تقسیم گردید، اما این تجزیه و تقسیم که از نظر تاریخی و جغرافی یک تجزیه مصنوعی و غیر طبیعی به نظر می آمد، در واقع یک امر حتمی بود، زیرا روش استعماری و نفاق افگنی انگلیس قبلاً و در مرور زمان زمینه افتراق و خصومت بین مسلمان و هندو را چنان آماده کرده بود که این تجزیه و تقسیم به زودی صورت گرفت. محمد علی جناح و فیروز خان نون از جمله عوامل عمده این تقسیم و تجزیه و هم مسبب اشتعال مسلمین بر ضد هندو و وحدت اداره هندوستان بودند (این دو نفر اعضای شورای اجراییه وایسرا نیز بودند)

تا بعد ها یک میلیون نفر هندی کشته شد و دونیم میلیون نفر مجبور به مهاجرت گردید. البته متعصبین هندو هم امنیت مسلمین را زیر تهدید امحا قرار داده بودند، پس هند تقسیم شد و خون بسیاری بریخت (حتی رهبران هند و پاکستان و پشتونستان هم سر در این راه گذاشتند مانند گاندی و لیاقت علی و داکتر خان و غیره) تا دلچسبی و منافع آینده استعمار قدیم بکلی از بین نرود. معهداً مایه آتشین نزاع مذهبی و سیاسی بین هند و پاکستان در سر مسأله کشمیر زنده نگهداشته شد. چنانکه مسأله ولایات شرقی افغانستان (پشتونستان) بین افغانستان و پاکستان تضاد عمیقی ایجاد نمود." (افغانستان در مسیر تاریخ - صفحه ۴۴۳)

برای روشن شدن بیشتر موضوع باید خاطر نشان ساخت که انگلیسها بعد از نخستین تجاوز نظامی شان در سال ۱۸۳۹ میلادی بالای افغانستان و ظاهراً زیر نام و نشان "شاه شجاع" اسیر، ولایات سند و بلوچستان را جبراً از پیکر افغانستان جدا کرده تحت فرمان خویش قرار دادند و باز در سال ۱۸۷۹ میلادی با لشکر گشی مجدداً به افغانستان و تحمیل معاهده "گندمک" بالای محمد یعقوب خان پادشاه دست نگر و بی اراده، مناطق مهم و سوق الجیشی و شاهرگهای حیاتی کشور، مانند دره بولان، پیوار و خیبر را به دست آوردند. انگلیسها همچنان در سال ۱۸۹۳ میلادی، در نتیجه عقد معاهده ننگین "دیورند" با امیر دست نشانده دیگر (امیر عبدالرحمن خان)، باز هم مناطق بزرگی را از پیکر افغانستان بریده و به قلمرو هند برتانوی ملحق نمودند. این مناطق عبارت اند از کرم، دیر، باجور، مهمند، پشاور، وزیرستان (شمالی و جنوبی)، آتک، هزاره، مسعودی، سوات، تیرا، چترال و غیره که اکنون با شش میلیون نفوس زیر تسلط حکومت پاکستان میباشد.

ادامه دارد

++++
(۱) انگلیسها در سال ۱۸۷۱ میلادی بین چین و هند نیز خط سرحدی "مکماهون" را کشیدند که به اثر آن بخشی از خاک چین را به هند ملحق نمودند. ۹۱ سال بعد از آن، قوای چین در سال ۱۹۶۲ میلادی، به منظور اعاده اراضی از دست رفته چین بالای هندوستان حمله نمود و روابط دو کشور همسایه تیره گشت.